عاشورا و انتظار

سید مسعود پور سید آقایی



بسم الله الرحمن الرحیم

عاشورا و انتظار

نویسنده:

سید مسعود پور سید آقایی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

عاشورا و انتظار

مشخصات کتاب

نویسنده : سید مسعود پور سید آقایی

ناشر: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

مقدمه

مهدی (عج)، ادامه حسین (ع) است و «انتظار» ادامه عاشورا و برآمده از آن.مهدی (عج)، فرزند حسین (ع) است و فرهنگ «انتظار» برآمده از فرهنگ «عاشورا» و انتظارِ حسین دیگری را کشیدن. این دو پیوندی دیرین و مستحکم با یکدیگر دارند.یکی پشتوانه فرهنگی و زمینه ساز، برای دیگری است؛یکی رمز «حیات شیعه» است و دیگری رمز «بقای آن»؛یکی رمز «قیام و به پا خاستن شیعه» است و دیگری عامل «حفظ و استمرار آن»؛«مهدی» (ع) وارث عاشورا است؛ همچنان که «حسین» (ع) وارث پیامبران است؛عاشورا، دریچه‌ای به «انتظار» است و انتظار، تجلّی آرزوها و آمال کربلا؛فرهنگ عاشورا، دستمایه اساسی و مایه شکوفایی و بالندگی منتظران مهدی (عج) در عصر انتظار است.پیوند «عاشورا و انتظار» و «حسین و مهدی»، پیوند «والد» و «ماولد» و «نورٌ علی نور» است.انتظار، کربلایی دیگر است به وسعت همه جهان و مصاف حق و باطل است در زمانی دیگر؛ با این تفاوت که این بار، حق پیروز است و چهره باطل، برای همیشه دفن می‌شود. انتظار همان کربلا است در وسعت همه زمین و در مقطع دیگری از تاریخ. در این مقطع، فکرهای رشید از هر فرقه و ملتی، گلبانگ «دعوت مهدوی» را - که با ساخت و فطرت انسان‌ها همگون است - لبیک می‌گویند.انتظار، ثمره کربلا است. بدون کربلا انتظار بی‌معنا است. یاران مهدی، همه کربلایی‌اند و در فراز و فرود تاریخ، غربال شده و آبدیده‌اند. مگر می‌توان بی عاشورا، انتظاری دیگر داشت؟ انتظار بی عاشورا، انتظار بی‌پشتوانه است.«عاشورا» انتظار برآورده نشده شیعه است و «انتظار» عاشورای برآورده شده شیعه.حرکتی جهانی و به وسعت آمال همه انسان‌های تاریخ، پشتوانه و عقبه‌ای می‌خواهد به استحکام کربلا که هرگز به سردی و خاموشی نگراید. [۱] .«انتظار» ادامه عاشورا، غدیر و بعثت است و «ظهور»، روز فرج و مخرج حسین [۲] و ثمره خون او که در شریان تاریخ به جوش آمده است.«انتظار» بشارتی است به حق، بر همه دردها و آلام شیعه در کربلا و تاریخ.مهدی (عج)، همان کسی است که باری را که حسین (ع) در مسیر کوفه، در کربلا به زمین گذاشت؛ به کوفه می‌رساند.مهدی (ع) پرچم افتاده حسین (ع) را بر خواهد افراشت و آرمان‌های بلند او را تحقّق خواهد بخشید.مهدی (ع)، بذری را که حسین (ع) در کربلا کاشت و دیگر امامان آن را بارور کردند و خودش در دوران غیبت به حراست آن همت گماشت، با دستان پرتوانش غرس خواهد کرد.«انتظار و عاشورا» دو بال پرواز شیعه است؛ اگر این دو نبود، چشمه «غدیر» می‌خشکید.این پیوندهای روشن و گویا، از نگاه نامحرمان نیز مخفی نمانده تا آن جا که می‌گویند: شیعه با دو نگاه همراه است: «نگاه سرخ» و «نگاه سبز»؛ عاشورا و ظهور، با الهام از یکی «انقلاب» می‌کند وبا دیگری آن را «استمرار» می‌بخشد. [۳] .برای ما دور ماندگان از صحنه عاشورا، یک راه بیشتر نمانده و آن ثبت نام در کلاس «انتظار» و درآمدن در خیل «منتظران» است که حقیقت انتظار، همان در خیمه حسین (ع) بودن است. آنان که در کربلا چکاچک شمشیرها را نچشیدند، باید مرارت «انتظار» را به جان بخرند. «عاشورائیان»، پیمان خود را به آخر بردند و «مهدویان» با کوله‌بار فرهنگ شهادت، چشم انتظارند تا آن عهدی که با خدا و رسول بر پاسداری از حرم و حریم ثار الله بسته‌اند، به انجام برسانند: «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر» [۴] .

پیوندها

اشاره

پیوند دو فرهنگ «عاشورا» و «انتظار» از دلایل و شواهد متعددی برخوردار است. در این جا ضـمن بیان آنها، به تحلیل و رهیافت‌های برخاسته از آنها نیز خواهیم پرداخت. [۵] .

مهدی، فرزند حسین

صدها روایت، در این باب وارد شده است که در آنها تأکید شده، امام مهدی (ع) نهمین فرزند حضـرت حسین (ع) است: «قائم هذه الامهٔ هو التاسع من ولدی». [۶] .

مهدی، خونخواه حسین

در روایات متعددی، وارد شده است: «القائم منّا اذا قام طلب بثار الحسین»؛ [۷] «بهذا القائم انتقم منهم»؛ [۸] امام باقر (ع) در مورد آیه «و من قتل مظلوماً فقـد جعلنا لولیه سـلطاناً فلایسـرف فی القتل» [۹] می‌فرمایـد: مقصود از «من قتـل مظلوماً»، حسـین بن علی است که مظلوم کشـته شد و ما اولیای او هستیم و قائم ما چون قیام کند، در طلب انتقام خون حسـین (ع) بر می‌آید... مقتول حسین (ع) و ولیّ او قائم (عج) است. [۱۰] .

یاد حسین، کلام نخستین مهدی

آن گـاه که مهـدی موعود ظهور کنـد، بین رکن و مقـام می‌ایسـتد و چنین نـدا می‌دهـد:«الاـ یـا اهل العالم! انا الامام القائم؛الا یا اهل العالم! انا الصـمصام المنتقم؛الا یا اهل العالم! ان جـدّی الحسـین قتلوه عطشاناً؛الا یا اهل العالم! ان جـدّی الحسـین طرحوه عریاناً؛الا یا اهل العالم! ان جدّی الحسین سحقوه عدواناً». [۱۱] .

یا لثارات الحسین، شعار یاران مهدی

فضل بن شاذان نقل می‌کنـد که شـعار یاران مهـدی «یا لثارات الحسـین» (ای خونخواهان حسـین) است:«انّ شـعار اصـحاب المهـدی (عج) یا لثارات الحسین (ع)». [۱۲] .

یاری حسین، یاری مهدی

حضـرت سـکینه (س) نقل می‌کنـد: امام حسـین (ع) شبی در کربلا، خطاب به یاران خود فرمود:«... و قد قال جدی رسول الله (ص): ولدی حسـینٌ یقتل بطفّ کربلا غریباً وحیداً عطشاناً فریداً. فمن نصـره فقد نصـرنی و نصر ولده الحجهٔ و لو نصرنا بلسانه فهو فی حزبنا یوم القیامـهٔ؛ همانا جدم رسول خدا (ص) فرمود: فرزند من حسـین در زمین کربلا، غریب و تنها، عطشان و بی کس، کشـته می‌شود. کسی که او را یاری کند، مرا و فرزندش مهدی را یاری کرده است و هر کس به زبان خود، ما را یاری کند، فردای قیامت در حزب ما خواهد بود». [۱۳] .

یکسانی القاب حسین و مهدی

القاب «ثار الله»، «الوتر الموتور» و «الطریـد الشـرید»، القاب مشترک حسـین (ع) و مهدی (عج) است: «ولکن صاحب هذا الامر الطرید

الشريد الموتور بابيه..». [۱۴] .«السلام عليک يا باب الله و السلام عليک يا ثار الله». [۱۵] .«المترقب الخائف و الولی الناصح، سفينة النجاة... و الوتر الموتور». [۱۶] .

زیارت عاشورا

زیارت عاشورا - که زیارت مخصوص امام حسین (ع) است - در دو قسمت، از خون خواهی حسین (ع) در رکاب امام مهدی (عج) خبر می‌دهد:«ان یرزقنی طلب ثارک مع امام منصور من اهل بیت محمد (ص)» و «ان یرزقنی طلب ثاری [کم مع امام هدیً ظاهر ناطق بالحق منکم».

روز عاشورا و یاد مهدی

امام باقر (ع) می‌فرماید: یکدیگر را در روز عاشورا این گونه تعزیت دهید:«اعظم الله اجورنا بمصابنا بالحسین و جعلنا و ایاکم من الطالبین بثاره مع ولیه الامام المهدی من آل محمد (ع)؛ خداوند اجر ما و شما را در مصیبت حسین (ع) بزرگ گرداند و ما و شما را، از کسانی قرار دهد که به همراه ولی‌اش، امام مهدی از آل محمد (ع)، طلب خون آن حضرت کرده، به خون‌خواهی او برخیزیم». [۱۷] .

عاشورا روز ظهور مهدی

امام باقر (ع) می‌فرماید: «کانّی بالقائم یوم عاشورا یوم السبت قائماً بین الرکن و المقام و بین یدیه جبرئیل ینادی.... [۱۸] ؛ گویا قائم را می‌بینم که روز عاشورا، روز شنبه بین رکن و مقام ایستاده و جبرئیل پیش روی او ندا می‌کند...»امام صادق (ع) نیز فرمود: «ان القائم صلوات الله علیه ینادی باسمه لیلة ثلاث و عشرین و یقوم یوم عاشوراء یوم قتل فیه الحسین بن علی [۱۹] ؛ قائم - درود خدا بر او باد - در شب بیست وسوم ماه رمضان به نامش ندا می‌شود و در روز عاشورا، روزی که حسین بن علی در آن کشته شد، قیام خواهد کرد».

میلاد حسین و یاد مهدی

در توقیع مبارک امام عسکری (ع) برای قاسم بن علاء همدانی آمده است که: در روز تولد امام حسین (ع)، این دعا را بخوان: «اللهم انی اسئلک بحق المولود فی هذا الیوم الموعود بشهادته قبل استهلاله و ولادته بکته السماءُ و من فیها و الارض و مَن علیها... المعوّض من قتله ان الائمة من نسله و الشّفاء فی تربته و الفوز معه فی أوبته و الأوصیاء من عترته بعد قائمهم و غیبته؛ خداوندا! من تو را به مقام مولود این روز می‌خوانم. او پیش از آن که به دنیا چشم بگشاید و قبل از آن که تولد یابد، وعده و خبر شهادتش داده شد. آسمان و هر کس در آن بود و زمین و هر کس بر روی آن بود، بر او گریه کرد.... او که در عوض شهادت او، ائمه از نسل او شدند و شفا در تربت او قرار داده شد، فوز و رستگاری با او، در روز رجوع و بازگشت او و بازگشت اوصیاء از خاندان او، بعد از قائم آنان و سپری شدن غیبت او می‌باشد». [۲۰] .

میلاد مهدی و یاد حسین

شیخ عباس قمی در مفاتیح الجنان می‌نویسد:با فضیلت‌ترین اعمال شب نیمه شعبان - که باعث آمرزش گناهان است - زیارت امام حسین (ع) می‌باشد. هر که می‌خواهد، روح ۱۲۴ هزار پیامبر با او مصافحه کند، امام حسین (ع) را زیارت کند. اقل زیارت آن

حضرت آن است که به بالای بامی رود و به سمت راست و چپ نگاه کند؛ سپس سر به جانب آسمان بلند کند و حضرت را با این کلمات زیارت کند: «السلام علیك یا اباعبدالله، السلام علیك و رحمهٔ الله و برکاته»در قسمت «زیارات» نیز می‌نویسد: احادیث بسیاری در فضیلت زیارت امام حسین (ع) در نیمه شعبان وارد شده است. و بس است در این باب آنچه که به چندین سند معتبر از حضرت امام زین العابدین (ع) و امام جعفر صادق (ع) وارد شده که: هر که بخواهد با او ۱۲۴ هزار پیامبر، مصافحه کنند، زیارت کند قبر ابی عبدالله الحسین (ع) را در نیمه شعبان. به درستی که ملائکه و ارواح پیامبران، رخصت می‌طلبند و به زیارت آن حضرت می‌آیند. پس خوشا به حال آن که مصافحه کند با ایشان، و ایشان مصافحه کنند با او. پنج پیامبر اولوالعزم (نوح، ابراهیم، موسیو عیسی (ع)و محمد (ص)) نیز با ایشان‌اند. [۲۱] .

شب قدر و یاد حسین

شب قدر، متعلق به امام زمان (ع) است و در این شب یکی از اعمال مستحبی، زیارت امام حسین (ع) است. شیخ عباس قمی می‌نویسد:«بدان که احادیث در فضیلت زیارت امام حسین (ع) در ماه مبارك رمضان - خصوصاً شب اول و نیمه و آخر آن و به خصوص شب قدر - بسیار است. از حضرت امام محمد تقی (ع) منقول است که هر که زیارت کند، امام حسین (ع) را در شب بیست و سوم ماه رمضان - و آن شبی است که امید است شب قدر باشد و در آن شب هر امر محکمی جدا و مقدّر می‌شود - مصافحه کند با او روح ۱۲۴ هزار ملك و پیغمبر که همه رخصت می‌طلبند از خداوند در زیارت آن حضرت در این شب.از حضرت صادق (ع) مروی است: چون شب قدر می‌شود، منادی از آسمان هفتم از بطن عرش ندا می‌کند که حق تعالی هر کسی را که به زیارت قبر حسین (ع) آمده، آمرزید.و در روایت دیگر است که هر که شب قدر نزد قبر آن حضرت باشد و دو رکعت نماز بگزارد، نزد آن حضرت یا آنچه که میسر شود و از حق تعالی بهشت و پناه از آتش را بخواهد؛ خداوند به او بهشت و پناه از آتش را عطا فرماید. ابن قولویه از حضرت صادق (ع) روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین (ع) را در ماه رمضان و در راه زیارت بمیرد، حسابی نخواهد داشت و به او بگویند که بدون خوف و بیم داخل بهشت شو».

حسین در کلام مهدی

در دعای ندبه آمده است: «این الطالب بدم المقتول بکربلا» و «این الحسن، این الحسین و این ابناء الحسین».و در زیارت منسوب به ناحیه مقدسه آمده است: «فلئن اخرتنی الدهور و عاقنی عن نصرك المقدور و لم اکن لمن حاربک محارباً و لمن نصب لک العداوهٔ مناصباً فَلَأَنْدُبَنَّکَ صباحاً وَ مساءً و لَاَبْکِیَنَّ لک بدل الدموع دماً؛ اگر زمانه مرا به تاخیر انداخت و مقدورات از یاریت بازم داشت و نتوانستم در رکاب تو با دشمنانت بجنگم، ولی از بام تا شام در یاد تو سرشک غم از دیده می‌بارم و به جای اشك خون می گریم.». [۲۲] .

زیارت حسین و مهدی در عیدها

در عیدهای اسلامی فطر، قربان و غدیر؛ زیارت این دو امام، وارد شده است. [۲۳] .

کوفه، پایگاه مشترک حسین، مهدی

امام حسین (ع) از مکه به سمت کوفه رفت و حضرت مهدی (ع) از مکه به سوی کوفه خواهد رفت و مقر حکومت خود را در کوفه قرار خواهد داد؛ یعنی، راه نیمه سیدالشهدا (ع) را به پایان خواهد رساند. [۲۴] .

فرشتگان یاور حسین، یاوران مهدی

شیخ صدوق از امام رضا (ع) نقل می کند:«و لقد نزل الی الارض من الملائکهٔ اربعهٔ آلاف لنصره فوجدوه قد قتل فهم عند قبره شعث غُبرٌ الی ان یقوم القائم فیکونون من انصاره و شِعارُهم یا لثاراتِ الحسین؛ [۲۵] به تحقیق چهار هزار فرشته برای نصرت و یاری حسین [(ع)] به زمین فرود آمدند. آنان هنگامی که نازل شدند، دیدند حسین [(ع)] کشته شده است، از این رو، ژولیده و غبارآلود در نزد قبر آن حضرت، اقامت کردند و همچنان هستند تا این که قائم، قیام کند و آنان از یاوران و سپاه آن حضرت خواهند بود و شعارشان یا لثارات الحسین است».

رجعت حسین در دولت مهدی

امام محمد باقر (ع) می‌فرمایند: امام حسین (ع) شب عاشورا به اصحابش فرمود:«... فابشروا بالجنهٔ، فوالله انما نمکث ماشاء الله تعالی بعد ما یجری علینا، ثم یخرجنا الله و ایّاکم حین یظهر قائمنا فینتقم من الظالمین، و انا و انتم نشاهدهم فی السلاسل و الاغلال و انواع العذاب و النکال...؛ بشارت باد شما را به بهشت، به خدا قسم که بعد از آنچه بر ما جاری شود، مکث خواهیم کرد آن قدر که خدای تعالی خواسته باشد، پس بیرون می‌آورد ما و شما را در آن هنگامی که قائم ما ظاهر شود، پس انتقام خواهد کشید از ظالمان، و ما و شما مشاهده خواهیم کرد ایشان را در سلاسل و اغلال و گرفتار به انواع عذاب و نکال...» [۲۶] .و امام حسین (ع) در روز عاشورا، دوباره از «رجعت» خود سخن گفته، می‌فرماید: «من اولین کسی خواهم بود که زمین شکافته می‌شود و رجعت می کنم». [۲۷] .

حسین در سوگ مهدی

امام صادق (ع) درباره آیه شریفه «ثم رددنا لکم الکرهٔ علیهم» [۲۸] می‌فرماید: «مقصود زنده شدن دوباره امام حسین (ع) و هفتاد تن از اصحابش در عصر امام زمان است؛ در حالی که کلاه‌خودهایی طلایی بر سر دارند و به مردم، رجعت و زنده شدن دوباره حضرت حسین (ع) را اطلاع می‌دهند تا مؤمنان به شک و شبهه نیفتند».امام صادق (ع) می‌فرماید: «حسین (ع) با اصحابش می‌آیند و هفتاد پیامبر آنان را همراهی می کنند؛ چنان که همراه موسی (ع) هفتاد نفر فرستاده شدند. آن‌گاه حضرت قائم (ع) انگشتر را به وی می‌سپارد و امام حسین (ع) غسل و کفن، حنوط و دفن حضرت قائم را بر عهده می گیرد». [۲۹] .

مهدی و زنده نگه داشتن یاد عاشورا

در این باب، داستان‌های متعددی است که از میان آنها، داستان علامه بحرالعلوم [۳۰] ، گواه خوبی بر عشق و علاقه وافر حضرت حجت (ع) به عزاداری و زنده نگه داشتن یاد عاشورا و شهدای کربلا است.

مهدی و سفارش به زیارت عاشورا

محدث نوری (ره) حکایت سید رشتی را چنین نقل می کند که حضرت به سید دستور خواندن نافله (خصوصاً نافله شب)، زیارت جامعه و زیارت عاشورا را می‌دهد و بعد از آن می‌فرماید: شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله، نافله، نافله! شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟ عاشورا، عاشورا، عاشورا! و بعد فرمود: شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه! [۳۱] .

مهدی در سوگ حسین

علامه امینی (ره) در الغدیر [۳۲] می‌گوید: در میان اصحاب ما مشهور است که در هر مجلسی قصیده ابن عرندس خوانده شود، موجب تشریف فرمایی حضرت بقیهٔ الله – روحی له الفداه – به آن مجلس می‌شود. ما برای تیمن و تبرک چند بیت این قصیده را ذکر می‌کنیم.ایقتل ظمْآناً حسین بکربلا و فی کلّ عضو من انامله بحرو والدهُ الساقی علی الحَوْض فی غدٍ و فاطمهٔ ماء الفرات لها مهرفوالهف نفسی للحسین و ما جنی علیه غداهٔ الطف فی حربه الشمر

مصیبت حسین و تعجیل در فرج

صاحب مکیال المکارم می‌گوید: یکی از دوستان صالحم برایم نقل کرد که مولایمان حضرت حجت (ع) را در خواب دیدار کرده بود و حضرتش سخنی فرموده بود که مضمونش این است: «انی لادعوا لمؤمن یذکر مصیبهٔ جدی الشهید، ثم یدعو لی بتعجیل الفرج و التأیید؛ همانا من برای هر شیعه‌ای که مصیبت جد شهیدم را یاد کند و سپس برای تعجیل فرج و تأیید [امر من دعا کند، من [نیز] برای او دعا خواهم کرد». [۳۳] .

سختی مصیبت

مصیبت حسین (ع) سخت‌ترین مصیبت‌ها است:«...فرزند تو به مصیبتی گرفتار می‌شود که مصیبت‌ها در کنار آن کوچک خواهد بود» [۳۴] .«لا یوم کیومک یا اباعبداللَّه» [۳۵] .مهدی (ع) نیز مصیبتش طولانی و محنتش شدید است. او شاهد همه رنج‌ها و مصیبت‌هایی است که بر تمامی انسان‌ها و فرد فرد شیعیانش وارد می‌شود:«انا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم...؛ [۳۶] ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده‌ایم.»

اصلاح‌گری

امام حسین (ع) و مهدی (ع) دو اصلاح‌گر سترگ‌اند. حسین (ع) می‌گوید: «انما خرجت لطلب الاصلاح».در مورد مهدی نیز آمده است: «لیصلح الامهٔ بعد فسادها [۳۷] ؛ خداوند به وسیله حضرت مهدی (ع) این امت را پس از آن‌که تباه شده‌اند، اصلاح می‌کند».

بیعت نکردن با طاغوت

امام حسین (ع) می‌فرماید: «لا واللَّه لا اعطیکم اعطاء الذلیل و لا افرّ فرار العبید؛ نه به خدا قسم دستم را از روی خواری و ذلّت به شما ندهم و مانند بردگان فرار نمی‌کنم.»مهدی (ع) نیز بیعت هیچ طاغوتی را به گردن ندارد.«ما منّا احدٌ الاَّ و یقع فی عنقه بیعهٔ لطاغیهٔ زمانه الاّ القائم... لئلا یکون لاحد فی عنقه بیعهٔ اذا خرج ذاک التاسع من ولد اخی الحسین؛ [۳۸] هر کدام از ما (اهل بیت (ع)) در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت‌های زمان را (از روی تقیه) به عهده داریم، مگر قائم... تا هنگامی که قیام می‌کند بر گردنش بیعت حاکمی نباشد او نهمین فرزند برادرم حسین است.»

آرزوی شهادت در رکاب حسین و مهدی

دو آرزو در روایات ما مطلوب است؛ یکی بودن در کربلا و شهادت در رکاب حسین و دیگری فیض جهاد و شهادت در رکاب امام مهدی (ع):«یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیما» [۳۹] .«اللهم انی اجدّد له فی صبیحهٔ یومی هذا... و اجعلنی من انصاره... و

المستشهدین بین یدیه... فاخرجنی من قبری مؤتزراً کفنی شاهراً سیفی...» [۴۰] .

تحلیل ها

عاشورا، پشتوانه فرهنگی انتظار

فرهنگ «عـاشورا»، زمینه‌ساز فرهنگ «انتظار» است. «انتظار» ادامه عاشورا است و چشم به راه حسـین دیگری نشسـتن در کربلایی به وسعت جهان.فرهنگ «عاشورا» آن چنان در روح انسان‌ها، رسوخ کرده و آتش عشقش، شراره‌ای در دل‌ها انداخته که بدون تردید، مؤثرترین و پایـدارترین عنصـر فرهنگ‌سـاز، برای شـیعیان و تمـامی انسان‌هـای آزاده عـالم است. به گفته امام راحل (ره): «ما هر چه داریم از محرم و صفر داریم».

اشتراک در اهداف

هـدف مهدی (ع)، نجات انسان‌ها از بردگی فکری و برداشـتن زنجیرهای اسارت از آنان است.امام باقر (ع) می‌فرماید: «اذا قام القائم ذهب دولة الباطل؛ هنگامی که قائم قیام کند، هر آینه باطل از بین می‌رود». [۴۱] .هدف امام حسین (ع) نیز در زیارت «اربعین» چنین بیان شـده است:«و بذل مهجة فیك لیسـتنقذ عبادك من الجهالة و حیرة الضالة؛ خون خود را تقدیم تو کرد، تا انسان‌ها را از نادانی و گمراهی رهایی بخشد».پس هدف هر دو، احیای دین و جلوگیری از انحطاط ارزش‌ها است.

مشابهت در زمانه

حسـین (ع) زمانه خود را چنین توصـیف می‌کند: «الا ترون انّ الحق لایعمل به و انّ الهوی لایترك عنه؛ آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل خودداری نمی‌گردد»، [۴۲] «فان السـنة قد امیتت و انّ البدعة قد احییت؛ همانا در شرایطی هستیم که سنت پیامبر، از بین رفته و بدعت‌ها زنده شده است». «و علی الاسـلام السلام اذا قد بلیت الامة براعٍ مثل یزید؛ اگر حاکم امت، فردی همچون یزید باشـد، پس بایـد فاتحه اسـلام را خوانـد».زمانه مهدی (ع) نیز چنین است: «یعطف الهوی علی الهدی، اذا عطفوا الهدی علی الهوی و یعطف الرأی علی القرآن، اذا عطفوا القرآن علی الرأی... و یحیی میّت الکتاب والسنة؛ چون مهدی قیام کند، خواهش‌های نفسانی را به هـدایت آسـمانی، باز گرداند؛ پس از آنکه رسـتگاری را به هوای نفس بازگردانده باشـند. آرا و افکار را پیرو قرآن کند، پس از آنکه قرآن را تـابع رأی خود گردانـده باشـند... پس مهـدی به شـما نشان خواهـد داد که روش عادلانه در حکومت، چگونه است و آنچه را که از کتاب و سـنت متروک مانـده، زنـده خواهـد ساخت». [۴۳] .زمـانه مهـدی (ع) و حسـین (ع)، در انحراف فکری، فساد اجتمـاعی، رواج بی‌دینی و بـدعت در سـطح جهـانی، مشـابه یکـدیگر است.مشابهت در زمانه، ابعاد متعـددی دارد؛ از تبلیغات جبهه باطـل گرفته تـا حـاکمیت خلفـای جور و غربت دین در عرصه زنـدگی و جـامعه. تبلیغـات بنی‌امیه و معاویه علیه اهل بیت (ع) و امام حسین (ع) [۴۴] ، شباهت زیادی به تبلیغات کشورهای استکباری و صهیونیست‌ها، علیه ایران اسلامی دارد.

مشابهت در یاران

یـاران حسـین (ع) بهترین یـاران و فـدایی او بودنـد. آنان از معرفت، محبت، اطاعت و تسـلیم نسبت به امام خود و سـبقت در اجرای خواسـته‌ها و فرامین او برخوردارند و در عبادت، صداقت، اخلاص و شـجاعت یگانه دوران بودند.یاران مهدی (ع) نیز چنین‌اند: «هم اطوع له من الامة لسیدها؛ آنها مطیع‌تر از کنیز نسبت به مولای خود هستند». [۴۵] .«کدّادون جاحدون فی طاعته؛ [۴۶] یاران مهدی

(عج) در فرمانبرداری از حضرتش، بسیار کوشا و مصمم‌اند».«لهم یسبهم الاولون و لایدرکهم الآخرون؛ [۴۷] آنان [در شایستگی‌ها و امتیازات بر اوج رفیعی‌اند] نه از نسل‌های گذشته، کسی از آنان پیشی گرفته و نه از آیندگان، کسی به مقام والای آنان می‌رسد».«رهبان بالليل ليوث بالنهار، كَاَنَّ قلوبهم زبر الحديد؛ عابدان شب و شیران روزند، [در شجاعت قلوبشان همچون پاره‌های آهن است». [۴۸] .

ضرورت درگیری و نبرد

درگیری بین حق و باطل، ایمان و کفر، یک ضرورت است؛ چون حقیقت «ایمان»، حرکت و رویش و خصلت «کفر» ایستادگی و ماندگی است.ساده اندیشی است اگر گمان شود، مسائل و مشکلات، تنها با گفت‌وگو حل می‌شود. باید به فکر پس از گفت‌وگو هم بود که اگر زیر بار حق نرفتند و یا خواستند بر ظلم خود باقی بمانند، چه باید کرد؟ پس از گفت‌وگو و دو گروه شدن، مخاصمه و درگیری هم هست یا نه؟ «فاذا هم فريقان يختصمون...». [۴۹] به راستی آیا مشکل اسرائیل و فلسطین، با گفت‌وگو حل می‌شود؟ آیا آمریکا باگفت‌وگو حاضر است، از خوی استکباری خود دست بردارد؟نبرد حسین (ع) و یزید، جنگ مهدی (ع) و مستکبران، نبرد حق و باطل است؛ یکی در محدوده کربلا و دیگری در وسعت همه زمین.امام باقر (ع) می‌فرماید: «ليس شأنه الا السيف؛ [۵۰] او فقط شمشیر را می‌شناسد».امام صادق (ع) می‌فرماید: «يكفّون سيوفهم حتی يرضی الله عزّوجلّ؛ [۵۱] [یاران قائم شمشیرهای خویش را بر زمین نمی‌نهند تا این که خدای عزوجل راضی شود».

منتظران مهدی، پرورش یافتگان مکتب عاشورا

یاران مهدی (ع)، همه عاشورایی‌اند و در مکتب حسین (ع) پرورش یافته و بالیده‌اند.کسانی می‌توانند در رکاب مهدی (ع) باشند و امام حق را یاری رسانند که در مکتب «عاشورا» آبدیده شده و معیار جنگ و صلح را از او آموخته باشند که حسین (ع) خود معیار سلم و حرب و تولّا و تبرّا است.

سختی و مشکلات راه

امام صادق (ع) می‌فرماید: «قیام امام زمان (ع) نشانه هایی دارد». راوی پرسید: آنها چیستند؟ امام صادق (ع) فرمود: «ذلک قول الله عزوجل و لنبلونكم بشيء من الخوف و الجوع [۵۲] لو قد خرج قائمنا، لم يكن الا العَلَق و العَرَق و القوم علی السروج؛ [۵۳] این سخن خداوند است که «شما را با گرسنگی و ترس آزمایش می‌کند»؛ هنگامی که قائم ما قیام کند، خون است و عرق ریختن و سوار بر مرکب‌ها بودن در میدان‌های مبارزه».

پیوستن و جدا شدن یاران

به کاروان حسین (ع) کسانی پیوستند که امید پیوستنشان نبود، همچون زهیر و حرّ که یکی عثمانی بود و در صفین بر علیه علی (ع) شمشیر زده و دیگری فرمانده سپاه عمر سعد بود. و کسانی به بهانه‌های واهی نپیوستند، همچون طرماح بن عدی و یا پیوستند و جدا شدند و سعادت شهادت در کنار حسین (ع) را نداشتند؛ چه آنانی که در میانه راه جدا شدند و چه آنانی که در کربلا، از میدان معرکه گریختند.در مورد یاران مهدی (ع) نیز داریم:قال الصادق (ع): «اذا خرج القائم يخرج من هذا الامر من كان يُری انه من اهله و دخل فيه شبه عبدة الشمس والقمر؛ [۵۴] هنگامی که قائم قیام کند از امر [ولایت او کسانی بیرون می‌روند که همواره چنین به نظر می‌رسید از یاران او باشند. و به امر [ولایت او در می‌آیند آنانی که شبیه خورشید پرستان و ماه پرستانند.»در مورد یهودیان

جزیرةالعرب، نیز داریم که منتظر آمـدن پیامبر بودنـد. اما وقتی آمـد، به او کافر شدند. «فلما جائهم ما عرفوا کفروا به» [۵۵] از حسین نیز تقاضا کردند که بیاید و نامه‌ها نوشتند، اما هنگامی که آمد، به او پشت کردند و خون او را ریختند.

الهام پذیری هر دو فرهنگ

حسین (ع) با شهادت خود، پایه گذار فرهنگ شهادت شد و این فرهنگ، آن چنان در فرهنگ مسلمین ریشه دواند و در دلها جا باز کرد که به عنوان الگو، سرآغاز بسیاری از حرکتها و قیامهای حق طلبانه در سرزمین پهناور اسلامی بر علیه خلفا و حاکمان ستمگر، شـد. در عراق؛ بصـره و کوفه (سـلیمان بن صـرد، مختار، زید بن علی)، در حجاز؛ مدینه و مکه، در خراسان (یحیی بن زید). [۵۶] و هنوز هم همه عـدالت خواهان و مردان تاریـخ، می‌گوینـد بایـد پا جای پای حسـین و شـهدای کربلا گـذاشت (گاندی).انتظار نیز به عنوان یکی از بزرگترین، قوی‌ترین و انگیزه سـازترین آرمان‌هـای انسانی، نقش بی بـدیلی در از بین بردن یأس و ناامیـدی و پیروزی نهـایی مظلومـان بر مستکبران دارد «و نریـدان نمن... و نجعلهم ائمـهٔ و نجعلهم الوارثین». همچنان که می‌توانـد به عنوان یک راهبرد اساسـی و کلیدی در تمامی ابعاد سیاسی - اجتماعی، تربیتی و فکری یک جامعه تأثیر گذار باشد.از طرف دیگر منتظر ظهور مصلح، خود بایـد صالـح باشـد.امـام صـادق (ع) فرمود: «ان لنـا دولـهٔ یجیء بها الله اذا شاء ثم قال: من سـرّه ان یکون من اصـحاب القائم (ع) فلینتظر و لیعمـل بـالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر؛ [۵۷] ما دولت و حکومتی داریـم و خداونـد، هرگاه بخواهـد این دولت ظهور خواهـد کرد و اگر کسـی خوشـحال و خشنود می‌شود که از یاران مهـدی (ع) باشـد؛ پس منتظر باشـد و در حال انتظار، اهل ورع و اجتناب از گناهان و اهل محاسن و مکارم اخلاق باشد».«یخرج اناسٌ من المشـرق و یوطئون للمهدی سلطانه؛ گروهی از مشرق زمین به پا خاسته و زمینه ساز حکومت امام مهدی (ع) می‌شوند».

زوال دولت‌های باطل

حسـین (ع)، بـا شـهادت خود، بـاعث رسوایی و در نتیجه نـابودی دولت بنی امیه شـد. مهـدی (ع) نیز با ظهور خود، باعث رسوایی و تزلزل تمامی دولت‌های مستکبر، خواهد شد:«اذا قام القائم ذهب دولهٔ الباطل؛ [۵۸] هنگامی که قائم قیام کند، هر دولت باطلی از بین می‌رود».در دعـای نـدبه، نـدا سر می‌دهیم:«این قـاصم شوکـهٔ المعتـدین؟ این هـادم ابنیـهٔ الشـرک و النفاق؟ این مبیـد اهل الفسوق و العصیان و الطغیان؟...؛ [۵۹] کجا است درهم شـکننده شوکت متجاوزان؟ کجا است ویران کننده بناهای شـرک و نفاق؟ کجا اسـت نابودکننـده اهل نادرستی و عصـیان و طغیان؟...».در روایات نیز آمده است:«و لایکون ملک الا للاسـلام؛ [۶۰] در آن روز حکومتی جز حکومت اسـلام، نخواهد بود».«یبلغ سلطانه المشرق و المغرب؛ [۶۱] دولت مهدی (عج) شـرق و غرب جهان را فرا گیرد».«اذا قام القـائم لایبقی ارض الاّ نودی فیها شـهادهٔ ان لا اله الا الله و ان محمـداً رسول الله؛ [۶۲] هنگامی که مهـدی (عج) قیام کند زمینی باقی نمی‌ماند مگر آن که گلبانگ توحید و رسالت پیامبر در آن بلند گردد».

تکیه بر سنت‌های الهی

سنت خداونـد چنین است که تا تحولّی در وجود انسان‌ها پدیـد نیاید، وضـعیت جامعه و اجتماع آنان، دگرگون نخواهد شد: «ان الله لایغیّر ما بقوم حتی یغیّروا ما بانفسـهم» [۶۳] و سـنت‌های الهی تخلف‌ناپذیر است: «ولن تجد لسنهٔ الله تبدیلًا». [۶۴] .ظهور مهدی (ع) زمینه‌های مردمی و عـدّه و عُدّه‌ای را می‌طلبـد که بایـد فراهم شود و این به عهده ما است؛ گرچه اگر ما کاری نکنیم، ظلم فراگیر و باطـل خود زمینه سـاز عـدالت و حق خواهـد بود؛ چون باطـل رفتنی است: «قـل جـاء الحق و زهق الباطل ان الباطل کان زهوقاً». [۶۵] .البته این بـدان معنـا نیست که از امـدادهای غیـبی و معجزات اسـتفاده نمی‌شود؛ بلکه امـدادهای غیبی نیز از سـنت‌های الهی است. و

فرآیند خاص خود را دارد. به شهادت قرآن، پس از به کار گرفتن تمامی استعدادها، تلاش‌ها، تحمل سختی‌ها و شداید و طلب و درخواست انسان‌ها، امداد و عنایت الهی فرا خواهد رسید: «ان تنصروالله ینصرکم» [۶۶] و «... ام حسبتم ان تدخلوا الجنهٔ و لما یأتکم مثل الذین خلوا من قبلکم مستهم البأساء والضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین آمنوا معه متی نصر الله الا انّ نصر الله قریب» [۶۷] .از شرایط اساسی ظهور حضرت حجّت زمینه‌های مردمی است:«ان المهدی لایخرج حتی تقتل النفس الزکیهٔ... فاتی الناس المهدی فزفّوه کما تزّف العروس». [۶۸] .«...انّه لایخرج حتّی لایکون غائب احب الی الناس منه ممّا یلقون من الشرّ». [۶۹] .

نقش زنان

نقش زنان، در هیچ حرکتی از حرکت‌های اسلامی و شیعی – از صدر اسلام تاکنون – به اهمیت و برجستگی نقش زن در قیام «عاشورا» نبوده است.«عاشورا» تنها صحنه‌ای است که در آن «زن»، در متن قرارداد و نه حاشیه و نقش زن شیعی در آن، پررنگ و پرحضور است و شاید یکی از رمزهای جاودانگی آن همین باشد. نقش «زینب»، این شیرزن دریادل کربلا و همسر و دختران امام حسین (ع) – به عنوان پیام‌آوران واقعه عاشورا – از جایگاه خاصی برخوردار است. نقش ام وهب، دلهم (زن زهیر)، طوعه، ماری [۷۰] و حتی زنان قبیله بنی همدان [۷۱] ، غیر قابل کتمان است.مرحوم حاج شیخ ملاسلطان علی تبریزی – که از جمله عابدان و زاهدان بود – در عالم رؤیا خدمت امام زمان (ع) رسید و عرض کرد: آیا این که فرمودید: «فلأندبنک صباحاً و مساءً و لأبکین لک بدل الدموع دماً» صحیح است؟ فرمود: آری، صحیح است.عرض کردم: آن کدام مصیبت است که به جای اشک، خون گریه می‌کردید؟ آیا مصیبت حضرت علی اکبر است؟حضرت فرمود: اگر علی اکبر هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست.- آیا مصیبت حضرت عباس است؟- اگر عباس هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست.- آیا مصیبت حضرت سیدالشهدا (ع) است؟- اگر سیدالشهدا (ع) هم بود، در این مصیبت خون می‌گریست.- پس کدام مصیبت است؟- مصیبت اسیری زینب. [۷۲] .در قیام حضرت مهدی (ع) نیز چنین است و زنان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار خواهند بود. نقش زن در عصر ظهور، همچون نقش مدعیان امروز و طرفداران حقوق زن نیست که او را تا سرحد یک کالا و وسیله‌ای برای لذت‌طلبی و عیّاشی تنزل داده‌اند.جابربن یزید جعفی از امام باقر (ع) نقل می‌کند:و یجیء والله ثلاث مأهٔ و بضعهٔ عشر رجلاً فیهم خمسون امرأهٔ یجتمعون بمکهٔ علی غیر میعاد قزعاً کقزع الخریف؛ [۷۳] به خدا سوگند ۳۱۳ نفر می‌آیند که پنجاه تن از آنان زن هستند که بدون هیچ قرار قبلی، در مکه کنار یکدیگر جمع خواهند شد».ام سلمه نیز از پیامبر (ص) چنین روایت کرده است: «یعوذ عائذ من الحرم فیجتمع الناس الیه کالطیر الوارد المتفرقهٔ حتی یجتمع الیه ثلاث مأهٔ و اربعهٔ عشر رجلاً فیه نسوهٔ فیظهر علی کل جبار و ابن جبار [۷۴] ؛ در آن هنگام پناهنده‌ای به حرم امن الهی پناه می‌آورد و مردم همانند کبوترانی که از چهار سمت به یک سو هجوم می‌برند به سوی او جمع می‌شوند تا این که در نزد آن حضرت سیصد و چهارده نفر گرد آمده که برخی از آنان زن می‌باشند که بر هر ستمگر و ستمگر زاده‌ای پیروز می‌شوند».

دشواری حفظ دین

در دوران امام حسین (ع) بر اساس بدعت‌های خلفا و تبلیغات بنی امیه، دین بی ارزش و بازار دنیا پررونق بود: «الناس عبید الدنیا و الدین علی السنتهم ما درّت معایشهم فاذا محصّوا بالبلاء قلّ الدیّانون؛ مردم بنده دنیا هستند و دین لقلقه زبانشان می‌باشد، مادامی که زندگی دنیای آنها تأمین شود. اما همین که در بوته امتحان قرار گرفتند، دین داران کم خواهند بود». [۷۵] .اگر نبود حسین (ع) – این خط روشن ولایت و وارث پیامبران – چراغ دین، آخرین کورسوهای خود را می‌زد.در عصر انتظار نیز حفظ دین، از سخت‌ترین کارها است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «ان لصاحب هذا الامر غیبهٔ، المتمسّک فیها بدینه کالخارط لشوک القتاد بیده – ثم اوْمأ ابوعبدالله (ع) بیده هکذا. قال: فایّکم تمسّک شوْک القتاد – ثمّ اطوق ملیّاً ثمّ قال: ان لصاحب هذا الامر غیبهٔ فلیتّق الله عبد عند غیبته

و لیتمسّک بـدینه؛ [۷۶] .برای صـاحب این امر (حضـرت مهـدی (ع)) غیبـتی خواهـد بود. هر کس در روزگـار غیبت او دین خود را حفـظ کنـد، ماننـد کسـی است که تیغ‌های تیزگیاه قتاد را با دسـتش صاف و هموار سازد؛ سپس حضـرت با دست [مبارک خویش اشاره فرمود که چگونه با دست، تیغ‌های قتاد را باید هموار ساخت. آنگاه افزود: کدام یک از شـما تا به حال توانسته است، خارهای خنجرگونه قتاد را به دست بگیرد؟سپس حضـرت سر به زیر افکند و مدتی سکوت کرد؛ آن گاه افزود: برای صاحب این امر، غیبتی است که در روزگار دشوار غیبت، هر بنده خدایی باید تقوا پیشه کند و دینش را حفظ نماید».در روایتی دیگر، آمده است:«منْ ثَبتَ علی ولایتنا فی غیبهْ قائمنا، اعطاه الله اجْر الف شهید مثل شهداء بدر و احد؛ [۷۷] کسی که در روزگار قائم ما، در امر ولایت ما ثابت قـدم و اسـتوار بـاقی بمانـد و نلغزد، چنـان است که خداونـد پـاداش هزارشـهید ماننـد شـهدای جنگ‌هـای بـدر و احـد به آنـان عطا می‌فرمایـد».امـام بـاقر (ع) می‌فرمایـد: «یـأتی علی النـاس زمـانٌ یغیب عنهم امامهم. فیا طوبی للثابتین علی امرنا فی ذلک الزمان؛ [۷۸] .روزگـاری بر مردم خواهـد آمـد که امام و پیشوای ایشان از [چشم آنان غایب و پنهان می‌گردد. پس خوشا بر احوال کسانی که در آن زمـان (غیبت در امر ولایت) ثابت قـدم و اسـتوار می‌ماننـد».حضـرت در ادامه، فضایل فراوانی برای کسانی که دین خود را حفظ می‌کننـد، بیـان می‌دارد که این فضایـل زیـاد، به جهت سـنگینی و عظمت کـار آنـان است.پیـامبر (ص) فرمـود: «اللهمّ لقّنی اخوانی، مرتین... لاحـدهم اشـدّ بقیـهً علی دینه من خرط القتاد فی اللیلهْ الظلماء او کالقابض علی جمْر الغضاء، اولئک مصابیح الدجی ینجیهم الله من کل فتنـهْ غبراء مظلمهْ؛ [۷۹] .بارالها! مرا به دیـدار برادرانم نایل گردان... هر یک از ایشان در پایـداری و اسـتواری در دین، از کسـی که در دل تیره شب، شـاخه پرتیغ گیـاه قتـاد را، بـا کف دست صـاف و هموار می‌سـازد، پایـدارتر است؛ یا هماننـد کسـی که صبورانه پاره آتشـی را بر دست گیرد و در آن حال در دین خویش اسـتوار باشـد. آری، ایشان چراغ‌های هدایت [در شب تاریک و دیجور] هستند. خداوند ایشان را از هر فتنه تیره و تار رهایی می‌بخشد».

سازش ناپذیری

حسـین (ع) در ردّ درخواست یزیـد بر بیعت، بـا قاطعیت می‌گویـد: «مثلی لایبایع مثله»؛ [۸۰] حضـرت مهدی (ع) نیز با هیچ‌کس سر سازش ندارد. امام باقر و صادقعلیهما السـلام می‌فرمایند: «لیس شأنه الاّ السـیف؛ او فقط شمشیر را می‌شناسد» [۸۱] ، «یقتل اعداء الله حتی یرضی الله؛ دشمنان خدا را می‌کشد تا خدا راضی گردد». [۸۲] .

تلاش جهت جذب و نیروسازی

حسـین (ع)، مـدام به فکر جـذب نیرو و تربیت و سازنـدگی بود. و بـا نامه به شـهرهای مختلف و سـفرهای خود و با زنـدگی ساده و انفاق‌های خود، سعی در جذب و تألیف قلوب و تربیت و پرورش آنان داشت. او دو سال پیش از مردن معاویه، در «منا»، جمعی بالغ بر هزار نفر از صـحابه و تابعـان را گرد آورد و تمـامی فضایـل اهـل بیـت را بـه همراه ویژگی‌هـای دشـمنان آنـان، از قرآن بر آنـان خواند.آن حضـرت در دوره یزید، در سفر خود از مکه به کربلا، از سیاست جذب نیرو چشم نپوشید و افرادی همچون زهیر و حرّ را جـذب نمود.مهـدی (ع) فرزنـد حسـین (ع) نیز در میـان مـا و در حال تلاش و نیروسازی است و لحظه‌ای از این مهم غافل نیست:«ان یکون صاحبکم المظلوم، المجحود حقه، صاحب هـذا الامر یتردد بینهم و یمشـی فی اسواقهم و یطأ فرشـهم و لایعرفونه حتی یأذن الله لـه ان یعرّفهم نفسه؛ [۸۳] صـاحب این امر... در میـان آنـان راه می‌رود، در بازارهایشان رفت و آمـد می‌کنـد. روی فرش‌هایشان گام برمی‌دارد؛ ولی او را نمی‌شناسـند، مگر خداونـد به او اجازه دهـد تا خودش را به آنان معرفی کنـد.در جلـد دوم موسوعه امام مهدی (تألیف شهید محمد صدر) داستان‌هایی شنیدنی و موثق در این باره آمده است.

انتظار

پیامبر (ص) از خیلی پیش‌ترها، خبر شهادت امام حسین (ع) را داده بود. امام علی (ع) نیز می‌فرمود: «هیهنا مناخ رکاب و مصارع عشاق». این اخبار تا آن جا بود که کسانی، از مدت‌ها پیش در منطقه کربلا اقامت گزیده و منتظر یاری فرزند رسول خدا بودند و سرانجام به آرزوی خود رسیدند. [۸۴] .پیامبر (ص) و تمامی ائمه (ع)، بشارت ظهور مهدی (ع) و دولت کریمه او را داده‌اند و باید منتظر بود که: «افضل الاعمال انتظار الفرج».

طلب یاری

فریاد استنصار و طلب یاری حسین (ع)، هنوز هم از رواق تاریخ به گوش می‌رسد: «هل من ناصرٍ ینصرنی؛ هل من مغیث یغیثنا؛ هل من ذابّ یذبّ عن حرم رسول الله».فریاد استنصار مهدی (ع)، نیز همواره بلند است. آیا کسی هست که مهدی آل محمد را یاری کند؟ آیا کسی هست عشق مرا در دل‌ها زنده کند؟ و انسان‌های بریده از مرا، با من پیوند زند؟می گویند با شنیدن فریاد «هل من ناصر حسینی»، گهواره علی اصغر تکان خورد! آیا با شنیدن «هل من ناصر مهدوی» نیز، دلی هست که بلرزد و با امامش عهد و پیمانی ببندد و به کمک او برخیزد؟ آن هم در این عصر وانفسا؟!«او در روز ظهور خود به دیوار کعبه تکیه داده بانگ بر می‌دارد: «ای مردم! ما از خداوند یاری می‌جوییم. هر که می‌خواهد ما را اجابت کند... از شما می‌خواهم که به حق خدا و به حق رسول خدا و به حق خودم بر شما - که حق قرابت رسول‌اللّه (ص) می‌باشد - ما را کمک کنید و کسانی را که به ما ظلم می کنند، از ما بازدارید که ما را ترسانده و بر ما ظلم کرده‌اند. از شهر و فرزندانمان جدا کرده، بر ما ستم روا داشتند و شوریدند. اهل باطل حقمان را گرفته، بر ما افترا بستند. خدا را درباره ما در نظر آورید! ما را تنها نگذاشته، خوارمان نکنید. یاریمان کنید که خداوند شما را یاری می کند». [۸۵] .

تدبیر و مدیریت

مدیریت حسین (ع)، مدیریتی بی‌نظیر است. این‌که جماعتی اندک در برابر سپاهی سی هزار نفری، از پگاه صبح تا هنگام عصر مقاومت کنند؛ حکایت از مدیریت عالی و تدبیر بلند حسین (ع) دارد. او با تشکیل میمنه و میسره و علمدار و قرار گرفتن خود در قلب سپاه، به عنوان فرمانده و قرار دادن خیمه‌ها در جایگاهی مناسب - به طوری که پشت آن نهری خشک‌شده باشد - و ریختن نی و هیزم در آن و آتش زدن آنها در فرصتی مناسب و خیمه‌ها را در کنار هم بستن و... به طوری که دشمن نتواند آنها را محاصره کند و تنها از روبه‌رو با آنها بجنگد، نشان داد که از تدبیر و مدیریتی بی‌نظیر برخوردار است. امام با تسلّطی شگرف تمامی صحنه‌ها را زیر نظر داشت و هم‌چون یک فرمانده پیروز تا آخرین لحظه، ذرّه‌ای ترس و واهمه به خود راه نداد. او در شب عاشورا از تمام منطقه نبرد، بازدید کرد و با گفت‌وگویِ با اصحاب و اهل حرم همه آنان را به آمادگی و وسعت رسانید و خود و اهل‌بیت و اصحابش، با عبادت و دعا شب را به صبح رساندند. کسانی که صبح پرکاری دارند، باید شب‌ها را به پا خیزند و با خالق خود به راز و نیاز بپردازند.«یا ایها المزّمّل قم اللیل... إن لک فی النهار سبحاً طویلا» [۸۶] .مهدی (ع) نیز در مدیریت و تدبیر، همچون جدّ بزرگوار خود حسین (ع) است. تشکیل یک حکومت جهانی و اداره همه انسان‌ها مدیریتی می‌خواهد سترگ، به عظمت سینه مهدی (ع) که: آلة الریاسة سعة الصدر.

رهیافت‌ها

اشاره

با پیوندها به تحلیل می‌رسیم و با تحلیل‌ها به رهیافت‌ها. هر کدام از تحلیل‌ها، می‌تواند پیام آور رهیافت یا رهیافت‌هایی باشد. آن جا که یوسف (ع) با خواب عزیز مصر، به دو برنامه هفت ساله می‌رسد و مصر را از قحطی و گرسنگی نجات می‌دهد. چرا نتوان با این همه پیوند و تحلیل، به رهیافت‌ها و در نتیجه به برنامه‌ریزی و موضع گیری مناسب رسید؟!.این رهیافت‌ها (هم چون سیره تربیتی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی آن حضرت)، می‌تواند اساس برنامه‌ریزی‌های راهبردی و کلان جامعه منتظر و حکومت دینی باشد.

تبیین فرهنگ عاشورا

اگر «عاشورا» پشتوانه فرهنگی «انتظار» است؛ پس در جهت تبیین حرکت عاشورا و نیز برگزاری هر چه باشکوه‌تر مراسم عاشورا و معرفی اسوه‌های جاویدان آن، باید تلاش دو چندان کرد.خیلی فرق است بین این که به «عاشورا»، به عنوان پشتوانه و عقبه فرهنگی و الهام‌پذیرِ انتظار نگاه شود؛ یا یک سنت برخاسته از عواطف و احساسات قومی.رسانه‌های عمومی - به خصوص صدا و سیما -، حوزه‌های علمیه و مراکز فرهنگی، نقشی حیاتی و اساسی در غنا بخشیدن به این فرهنگ دارند.«کربلا» دانشگاه بزرگی است با کلاس‌ها و درس‌های بسیار. ابعاد و آموزه‌های این دانشگاه بزرگ، هنوز هم بر بسیاری پوشیده است. باید در این دریای عمیقِ گسترده پربار، غوّاصانی ماهر و زبردست، به صید بپردازند تا لؤلؤها و مرواریدهای گران‌بهای آن را به چنگ آورده، در اختیار خواستاران و خریداران قرار دهند.هنوز هم این حرکت عظیم و منشور بی نهایت، زوایای پنهان و ابعاد گسترده‌ای دارد که تنها بر عاشقان رخ می‌نماید. این غزال گریز پا در کمند هر کس نمی‌افتد! پرورش یافتگان مکتب مهدوی، امام حسین (ع) را به عنوان معیار «سلم و حرب» و منشأ «الهام‌پذیری» می‌دانند. باید این معیار برای همگان به خوبی تبیین شود.

تبیین دین

عصر حسین (ع)، عصر غربت دین بود و عصر انتظار نیز چنین است. قیام حسین و فرزندش مهدی (ع) برای احیای دین است. منتظر مهدی، باید از دین و ضرورت، قلمرو، و زبان آن و... تحلیلی عمیق داشته باشد؛ تا در این عصر - که عصر شبهات و فتنه‌ها است - بتواند زمینه ساز حرکت مهدی (عج) باشد.

الگو سازی

حسین (ع) و یارانش الگوی منتظران‌اند؛ از این رو باید در مبانی فکری و ویژگی‌های رفتاری و تربیتی آنان، درنگی شایسته کرد.

فرهنگ بسیج

ضرورتِ درگیری و نبرد، بایستگی «فرهنگ بسیج» را به عنوان یک راهبرد اساسی، فراروی حکومت دینی قرار می‌دهد. تقویت این نهاد مقدس، زمینه‌سازی برای ظهور است.باید از کسانی که در هشت سال دفاع مقدس، از نبرد نهراسیدند و سختی‌ها و مشکلات راه را به جان خریدند، تجلیل کرد و سینما و ادبیات دفاع مقدس را - نه به عنوان یک تفنن - که به عنوان یک ضرورت و هدف راهبردی نظام، پی گرفت. بسیج برخاسته از فرهنگ جبهه و شهادت است. و به گفته امام راحل «مدرسه عشق است». این رهیافت شاخصه و معیار اساسی در انتخاب مسؤولان و کارگزاران است. ترویج این فرهنگ و نهادینه کردن آن، باعث می‌شود که هر کس

تکلیف خود را با مهدی (ع) روشن کند؛ تا در اوج نبرد با اسبی که در خیمه مخفی کرده، فرار نکند و مهدی (ع) را همچون حسین (ع) تنها نگذارد.

معرفت امام

کسانی می‌توانند شعار خود را «یا لثارات الحسین» قرار دهند که به مقام «ابوت با امام» رسیده باشند تا بتوانند خونخواه او باشند؛ این ممکن نیست مگر با معرفت به حق امام (ع). شعار «یا لثارات الحسین» فقط یک شعار برخاسته از عواطف و عصبیت‌های قومی و نژادی نیست؛ بلکه برخاسته از معرفت به «حق ولایت امام» است. این معرفت، معرفت به حسب و نسب و فضایل آنان نیست؛ بلکه عرفان به حق ولایت آنان است. «الست اولی بکم من انفکسم» و «النبی اولی بالمؤمنین من انفسهم». آنان از ما به ما آگاه‌تر و مهربان‌تراند و از همه کشش‌های نفسانی آزادند.این شعار، شعار کسانی است که در تولد دوم [۸۷] خود، رسول و امام را به ابوّت برگزیدند و با درک اضطرار به وحی و حجّت، از همه تقلیدها، تلقین‌ها، هوس‌ها، غریزه‌ها و... جدا شدند و در این تولد دوباره، رسول و امام را به عنوان مربی خود انتخاب کردند که: «انا و علیٌّ ابوا هذه الامهٔ».این درک از امام و این آگاهی از حق ولایت ایشان، ما را به مقام ابوّت و در نتیجه خونخواهی آنان می‌رساند؛ آن هم نه پدر جسمانی من که پدر روحانی، مربی، هادی و پیشوای من؛ آن هم پدری که «مصباح»، «سفینه» [۸۸] ، «میزان» [۸۹] ، «وارث» [۹۰] ، «امین» [۹۱] و «اسوه» [۹۲] است و سبب سعادت و رستگاری [۹۳] ، امنیت، حفظ، نجات [۹۴] ، عزت، قبولی اعمال [۹۵] من و... است.این نگاه به امام و آگاهی از شؤون و آثار ولایت آنان، ثمرات و بارهای زیادی با خود دارد و فاصله گرفتن از آن، ضررهای جبران‌ناپذیری با خود به همراه دارد. از گام‌های اساسی تمامی مراکز فرهنگی و آموزشی، تبیین دقیق این معنا از امامت - به عنوان رکن رکین اعتقادی انقلاب - است.

عزت

«عزّت»، اساس حرکت حسینی و مهدوی است و می‌تواند اساس سیاست راهبردی حکومت دینی در سطح روابط بین المللی باشد. حکومت دینی - به عنوان زمینه ساز دولت کریمه مهدوی - از هرگونه رابطه و مذاکره‌ای که شائبه ذلّت داشته باشد، پرهیز می‌کند. منتظر «دولت عزیز» (تعزّ بها الاسلام و اهله) [۹۶] ، خود باید عزیز باشد. حسین (ع) هم می‌فرمود: «هیهات منّا الذلهٔ».

تنش زدایی

حسین (ع) آغاز کننده جنگ نبود - گرچه دشمن در تیررس او بود - چرا که درگیری، پس از تبیین و اتمام حجت است؛ آن هم پس از آن که دشمن آغاز کننده باشد.منتظران مهدی نیز دو سیاست «عزّت» و «تنش‌زدایی» را با هم دارند.

آمادگی

ضرورت درگیری و نبرد، بایستگی آمادگی و تجهیز را با خود دارد. باید از الان به فکر عِدّه و عُدّه بود و با تهیه نیرو و اسلحه، در اندیشه روز مصاف حق و باطل بود تا این بار وعده خداوند به دست منتظران تحقّق یابد. آمادگی برای نبرد نهایی، از مهم‌ترین سیاست‌های راهبردی حکومت‌های دینی است.

جذب نیرو و تبلیغ

آن جا که حسین (ع) و مهدی (ع) از جذب نیرو و تبلیغ دین دست نمی‌کشند؛ تکلیف منتظران و پیروان آنان مشخص است. جذب

نیرو و تبلیغ در سطح داخلی و خارجی، از تکالیف عمده حکومت‌های دینی، به عنوان زمینه سازان دولت کریمه مهدوی است.

اخلاق

فریاد «هل من ناصر» حسینی و مهدوی، همواره به گوش می‌رسد باید این فریاد را پاسخ گفت؛ اما چگونه؟ امیرالمؤمنین (ع) و امام صادق (ع) این چگونگی را پاسخ می‌دهند:«اعینونی بورع واجتهاد و عفۀ و سداد [۹۷] ؛ با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید».«من سرّه ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر [۹۸] ؛ کسی که دوست دارد، از یاران قائم باشد؛ باید منتظر باشد و در همان حال، از گناهان اجتناب ورزد و خود را به اخلاق نیکو بیاراید.»ترویج اخلاق و فضایل اخلاقی، به عنوان راهبردی اساسی در حکومت دینی مطرح است. این سیاست کلان و راهبردی به همراه راه کارهای اجرایی آن می‌تواند به عنوان یک هدف و معیاری برای نقد تمامی ارگان‌های فرهنگی و آموزشی - تبلیغی باشد.

عنایت بیشتر به زنان

با توجه به نقش زنان در قیام مهدی (ع) و حضور آنان در دولت کریمه، باید برای رشد، اعتلا و بالندگی این قشر مهم و مظلوم در طول تاریخ، سرمایه‌گذاری جدی صورت گیرد. به نظر می‌رسد تاکنون آن گونه که شایسته و در خور منزلت زنان است، کاری بایسته برای آنان صورت نگرفته است. هنوز در سطح حوزه‌ها، مراکز علمی - فرهنگی و مدیریت‌های میانی و کلان جامعه، نقش زن در حاشیه است. باید برای تربیت و تحصیل زنان، سرمایه‌گذاری‌های اساسی صورت گیرد. غفلت از این نگاه راهبردی، ضرر و زیان‌های جبران ناپذیری به انقلاب اسلامی وارد ساخته است. از این رو تلاش دو چندان و عزمی جزم، جهت جبران این ضایعه، می‌طلبد.

پاورقی

[۱] پیامبر (ص) می‌فرماید: «ان لقتل الحسین حرارةً فی قلوب المؤمنین لا تبرد ابداً».مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۳۱۸، ب ۴۹ ابواب المزار، ح ۱۳.

[۲] «فاجعل لنا من امرنا فرجاً و مخرجاً یا ارحم الراحمین» دعای امام حسین (ع). پیامبر در جای دیگر می‌فرماید: «ان للحسین فی بواطن المومنین معرفةً مکتومۀ» بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. امام صادق (ع) نیز فرموده است: «من اراد الله به الخیر قذف فی قلبه حبّ الحسین و حبّ زیارته و من اراد الله به السوء قذف فی قلبه بغض الحسین و بغض زیارته» کامل الزیارات، ص ۱۴۳.

[۳] ر.ک: مجله موعود، دکتر بلخاری، شماره‌های ۲۶ و ۲۵.

[۴] احزاب (۳۳)، آیه ۲۳.

[۵] به برخی از این پیوندها در شماره قبلی همین مجله در مقاله «حسین (ع) و مهدی (ع)» اشاره شده است.

[۶] ر. ک: منتخب الاثر، ص ۱۴۰ - ۱۳۹ و ۲۵۴ - ۲۶۴.

[۷] بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۱۵۰.

[۸] دلائل الامامۀ، طبری، ص ۲۳۹.

[۹] اسراء (۱۷)، آیه ۳۳.]

[۱۰] تفسیر برهان، ج ۲، ص ۴۱۹.

[۱۱] الزام الناصب فی اثبات الحجۀ الغائب، یزدی حائری‌پور، ج ۲، ص ۲۸۲.

[۱۲] النجم الثاقب، ص ۴۶۹ و نیز ر. ک: مستدرک الوسائل، ج ۱، پ ۴۷، «به نقل از امام صادق (ع)».

[۱۳] معالی السبطین، ج ۱، ص ۲۰۸؛ ریاض القدس، ج ۱، ص ۲۶۳؛ وقایع الایام خیابانی، ص ۲۸۴؛ ناسخ التواریخ، ج ۲، ص ۱۵۸ (به نقل از سحاب رحمت، ص ۳۴۳).

[۱۴] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.

[۱۵] مصباح الزائر، سید بن طاووس، به نقل از ربیع الانام فی ادعیهٔ خیر الانام، ص ۳۶۷.

[۱۶] مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحب الامر (عج).

[۱۷] مصباح المتهجد، مفاتیح الجنان.

[۱۸] الغیبهٔ، شیخ طوسی، ص ۲۷۴.

[۱۹] همان.

[۲۰] مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۸۲ و نیز ر.ک: حماسه عاشورا به بیان حضرت مهدی، ص ۱۱۵.

[۲۱] مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۸۳.

[۲۲] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۲۷۲. البته چنانچه دعای ندبه از جانب امام زمان (ع) باشد.

[۲۳] ر.ک: مفاتیح الجنان، در اعمال هر یک از این روزها.

[۲۴] مجله انتظار، ش ۲، ص ۱۷۸.

[۲۵] امالی صدوق، مجلس ۲۷؛ بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۵.

[۲۶] گزیده کفایهٔ المهتدی، ص ۱۰۵ و ۱۰۶، ح ۱۹.

[۲۷] بحار الانوار ج ۵۳، ص ۶۲؛ ایقاظ، ص ۳۵۲؛ فوز اکبر، ص ۳۶.

[۲۸] اسراء، ۶.

[۲۹] ایقاظ، ص ۳۶۸.

[۳۰] ر.ک: مجله انتظار، شماره ۲، ص ۱۸۸ و نیز ر.ک: صالحان صالح، ص ۱۸۷ و خلاصه العبقری الحسان، صص ۳۴، ۱۱۰، ۱۸۷، ۲۱۹، ۲۴۲ و پادشه خوبان و سوگمندان ولایی.

[۳۱] النجم الثاقب، ص ۶۰، مفاتیح الجنان بعد از زیارت جامعه.

[۳۲] الغدیر، ج ۷، ص ۱۴.

[۳۳] مکیال المکارم، ج ۲، ص ۴۶.

[۳۴] بحارالانوار، ج ۴۶، ص ۲۴۵، به نقل از مکیال المکارم.

[۳۵] همان، ج ۴۵، ص ۱۸.

[۳۶] احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۹۶.

[۳۷] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۳ (به نقل از رسول اکرم (ص)).

[۳۸] بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۲ و نیز ر.ک: همان، ص ۱۳۵و کمال الدین، ص ۴۸۰.

[۳۹] مفاتیح الجنان، زیارت مطلقه امام حسین ((ع)).

[۴۰] همان، دعای عهد.

[۴۱] کافی، ج ۸، ص ۲۷۸.

[۴۲] تحف العقول، ص ۲۴۵.

[۴۳] نهج البلاغه، خ ۱۳۸.

[۴۴] تبلیغات بنی‌امیه تا آن جا بود که مردم شام، بنی‌امیه را اهل‌بیت پیامبر می‌دانستند. عبدالله بن علی وقتی از شام برگشت، گفت: انهم ما علموا لرسول الله قرابهٔ و لااهل بیت یرثونه غیربنی‌امیهٔ. مسعودی نیز در مروج الذهب (ج ۳، ص ۴۴) نقل می‌کند: «از یکی از بزرگان اهل شام که اهل رأی و عقل بود سؤال شد: ابوتراب کیست که این خطیب او را لعن می‌کند؟ جواب داد: من فکر می‌کنم یکی از دزدان فتنه‌انگیز باشد. ابن‌ابی‌الحدید، از امام باقر (ع) نقل می‌کند: سخت‌ترین زمان برای شیعیان ما زمان معاویه بود که در هر شهری آنها را می‌یافتند به قتل می‌رساندند و دست و پای آنها را می‌بریدند تا در زمان حاکمیت عبیدالله بن زیاد و حجاج در کوفه که مردم بیشتر دوست داشتند به آنها کافر و زندیق بگویند تا شیعه علی (ع). (زمینه‌های قیام امام حسین (ع)، ص ۲۵۰).

[۴۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

[۴۶] همان، ص ۳۱۱.

[۴۷] معجم احادیث الامام المهدی (ع)، ج ۳، ص ۱۰۰ (به نقل از مستدرک حاکم، ج ۴، ۵۴).

[۴۸] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۶.

[۴۹] نمل (۲۷)، آیه ۴۵.

[۵۰] الغیبهٔ، نعمانی، ص ۲۳۳.

[۵۱] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۷.

[۵۲] کمال الدین، ج ۲، ص ۶۹۴.

[۵۳] بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۵۹ (امام رضا (ع)).

[۵۴] الغیبهٔ نعمانی، ص ۱۷۱؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

[۵۵] بقره (۲)، آیه ۸۹.

[۵۶] ر.ک: پیامدهای عاشورا، سید ابوالفضل اردکانی.

[۵۷] منتخب الاثر، ص ۴۹۷، فصل ۱۰، باب ۲، ح ۹.

[۵۸] کافی، ج ۸، ص ۳۸ (امام باقر (ع)).

[۵۹] دعای ندبه.

[۶۰] الملاحم و الفتن، ج ۲، ص ۶۶.

[۶۱] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱ (امام باقر (ع)).

[۶۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰ (امام صادق (ع)).

[۶۳] رعد (۱۳)، آیه ۱۱.

[۶۴] احزاب، ۶۲.

[۶۵] اسراء، ۸۱.

[۶۶] محمد (۴۷)، آیه ۷.

[۶۷] بقره (۲)، آیه ۲۱۴.

[۶۸] معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۴۷۸؛ الملاحم و الفتن، سید ابن طاووس ص ۱۳۹، ب ۶۳.

[۶۹] عقد الدرر، ص ۹۴.

[۷۰] وی اهل بصره و خانه‌اش، کانون شیعیان امام علی (ع) بود. از آن کانون تنی چند به یاری حسین (ع) شتافتند و شهید شدند؛

گرچه خود وی نیامد.

[۷۱] پس از مردن یزید، برخی از بزرگان و اشراف کوفه تصمیم گرفتند عمرسعد را به عنوان امیرخود برگزینند. زنان قبیله بنی‌همدان تا این خبر را شنیدند، هلهله کنان داخل مسجد شدند و از این کار ممانعت کردند. آنان می‌گفتند شما می‌خواهید کسی را حاکم کنید که فرزند رسول خدا را به شهادت رسانده است؟.

[۷۲] العبقری الحسان، ج ۱، ص ۹۸.

[۷۳] بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۲۳.

[۷۴] مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۳۱۵؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۵۰۰.

[۷۵] تحف العقول، ص ۲۴۹؛ بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۱۹۲.

[۷۶] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۵.

[۷۷] همان، ج ۵۳، ص ۱۳۵.

[۷۸] همان.

[۷۹] همان، ج ۵۲، ص ۱۲۴.

[۸۰] بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۵.

[۸۱] کمال الدین، ج ۱، ص ۳۳۱.

[۸۲] الغیبهٔ شیخ طوسی، ص ۳۲.

[۸۳] الغیبهٔ نعمانی، ص ۸۴ و نیز ر.ک: همان، ص ۷۲.

[۸۴] ر.ک: تاریخ دمشق، ابن عساکر، ج ۱۴، ص ۲۱۶ و نیز ر.ک: ص ۲۲۴.

[۸۵] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۸.

[۸۶] مزمل (۷۳)، آیات ۱ – ۵.

[۸۷] «لن یلج فی ملکوت السماء من لا یولد مرتین» (از کلمات حضرت مسیح (ع)). به ملکوت آسمان راه نمی‌یابد؛ مگر کسی که دو بار متولد شود. تولد اول ما در مُلک است و در این تولد پدر ما همان پدر شناسنامه‌ای ما است. با تولد دوم و در آمدن از شکم غریزه‌ها و تقلیدها می‌توان به ملکوت آسمان راه یافت و در این تولد رسول و علی پدر ما و مربی ما هستند.

[۸۸] «ان الحسین مصباح الهدی و سفینهٔ النجاهٔ».

[۸۹] «علیٌ میزان الاعمال».

[۹۰] اشاره به زیارت وارث که ائمه (ع) وارث فرهنگ وحی‌اند و از آن پاسداری کرده و آن را از دستبرد حوادث حفظ می‌کنند.

[۹۱] اشاره به زیارت امین الله.

[۹۲] «لکم فیّ اسوهٔ». از سخنان امام حسین (ع).

[۹۳] «و فاز الفائزون بولایتکم» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

[۹۴] «ولایهٔ علی بن ابی‌طالب حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی».

[۹۵] «بموالاتکم تقبل الطاعهٔ المفترضهٔ» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

[۹۶] مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

[۹۷] نهج البلاغه، نامه ۴۵.

[۹۸] منتخب الاثر، ص ۴۹۷.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹